

اداره سهامی و شراکتی غنی، عبدالله و پیکولدارها

(استاد صباح)



تمام کسانی که در حکومت وحدت ملی (وحشت ملی) شامل هستند در طول سی سال به جنگ و غارت و جیاولگری مشغول بودند. دولت وحشت ملی در حال حاضر برای تداوم قدرت جنایتکاران و غارتگران و برای تداوم نظام مافیایی حکومت فعلی به وجود می آید. حکومت برای تعیین چگونگی تقسیم چوکی ها و منصب ها است. مردم بر این باورند که تشکیل این حکومت به معنای تداوم قدرت چهره های گذشته است و در واقع نمی تواند تاثیر مثبتی در روند حکومتداری بگذارد.

اشرف غنی رییس جمهوری با اشتون کار تروزیب دفاع جدید ایالات متحده امریکا که در یک سفر از پیش اعلام نشده وارد کابل شد، در مورد روند مذاکرات صلح با طالبان گفت که به گفت وگوهای صلح خوشبین است، اما پاسخ قاطع در این مورد می تواند «خطرناک» باشد. او همچنین رویکرد دولت در مورد گفت وگوهای صلح را «سازنده» توصیف کرد. غنی در هفته گذشته نشست های زیادی با چهره های سیاسی و جهادی در مورد از سرگیری تلاش های صلح برگزار کرد و اعلام نمود که مردم در مورد جزئیات تلاش های صلح قرار خواهند گرفت. مقام های دولت گفته اند که انتظار می رود در هفته های آینده گفت وگوهای مستقیم بین نمایندگان افغانستان و گروه طالبان برگزار شود.

در اظهارات غنی در مورد گفت وگوهای صلح، تناقضاتی به چشم می خورد که در همان نگاه اول خود را نشان می دهد. از یک طرف غنی زیر فشار افکار عمومی و انتقادهای برخی رهبران سیاسی و جهادی می گوید که در مورد مذاکرات صلح، «هیچ چیزی پنهان از چشم مردم» صورت نمی گیرد؛ اما پس از آن در کنفرانس خبری خود وقتی به پرسشی در خصوص پیشرفت ها در روند گفت وگوهای صلح مواجه می شود، پاسخ قاطع در این مورد را «خطرناک» می خواند.

این دوگانه گویی در اظهارات غنی به صورت آشکار از پیچیده گی وضعیت پرده بر می دارد و نشان می دهد که روند گفت وگوهای صلح آن گونه که غنی خوشبین به نظر می رسد، روندی ساده و بدون دردسر است.

غنی شاید در مقطعی تلاش کرد که خود را از فشار افکار عمومی رهایی بخشد و به همین دلیل از ارایه جزئیات خبر داد؛ اما او کم اقبال تر از آن بود که این وعده ها حداقل برای چند روزی همچنان اعتبار داشته باشد.

غنی عملاً با «خطرناک» خواندن ارایه جزئیات، اعتبار سخنان چند روز پیش خود را ساقط کرد. حالا اما می توان نتیجه گرفت که پس از این حرف رُک و راستی در مورد گفت وگوهای صلح و بسیاری از مسایل مبرم کشور بر زبان

نخواهد آورد و اگر چنین کاری هم انجام دهد، تنها برای آرام کردن افکار عمومی خواهد بود و در اصل به کتمان حقایق وفادار خواهد ماند. غنی دستکم باید برخی مسایل را با خود حل می‌کرد و آن‌گاه آن‌ها را بر زبان می‌آورد. چنین روحیه‌ی می‌تواند برای رهبران دولت وحدت ملی در آینده مشکلات زیادی را به‌وجود آورد.

از عمده‌ترین مشکلات این روحیه می‌تواند عدم باورپذیری سخنان و وعده‌های این رهبران از سوی جامعه باشد. وقتی مردم احساس کنند که رهبران‌شان به هر دلیل ممکن از اجرای وعده‌های داده‌شده سر باز می‌زنند و یا می‌خواهند آن‌ها را فریب دهند، بدون شک دیگر به سخن و وعده آن‌ها باور نمی‌کنند. نتیجه چنین برخوردی، بسیار خطرناک‌تر از چیزی است که گاهی رهبران دولت می‌توانند به آن فکر کنند و آن، ایجاد فاصله میان خود و شهروندان است.

فاصله میان رهبران و شهروندان، دقیقاً ریشه در چنین سیاست‌هایی دارد. به نظر نمی‌رسد که غنی در چنان تنگنایی قرار گرفته بود که باید وعده‌های جزئیات روند گفت‌وگوهای صلح را می‌داد. شاید اگر او مقداری با صداقت بیشتر عمل می‌کرد و به مردم توضیح می‌داد که چرا نمی‌شود همواره همه‌چیز را برملا کرد، مصونیت سیاسی خود را در آینده بیشتر از حالا ضمانت می‌کرد، تا این‌که از روی احساسات و به دنبال برخی انتقادها به‌صورت شتاب‌زده با عده‌ی دیدار کند و بگوید که پس از این، هیچ چیزی در مسایل صلح به صورت مخفی انجام نخواهد شد.

همان زمان که غنی از افشای مسایل صلح خبر داد، عده‌ی به این سخن شک کردند و گفتند که امکان ندارد رییس‌جمهوری همه رازها را برملا کند. این برخورد رییس‌جمهوری حتا روند گفت‌وگوهای صلح را یک بار دیگر به روندی ابهام‌آمیز و جنجالی تبدیل کرد و این شایبه را به‌وجود آورد که احتمال دارد دولت صرفاً برای مصرف داخلی از خوش‌بینی‌ها در مورد آغاز گفت‌وگوهای صلح سخن گفته باشد.

فراموش نکنیم که ارگ ریاست جمهوری به دنبال نشر گزارش‌ها مبنی بر آغاز گفت‌وگوهای صلح میان نماینده‌گان طالبان و دولت امریکا در قطر، دست به یک رشته افشاگری‌ها در پیوند با همان وعده رییس‌جمهوری زد که گفته بود پس از این هیچ چیزی در مورد مسایل صلح به دور از چشم مردم انجام نمی‌شود. در اعلامیه ارگ ریاست‌جمهوری آمده بود که سفر راحیل شریف لوی درستیز اردوی پاکستان به کابل حاوی خبرهای خوش در مورد آغاز گفت‌وگوهای صلح بوده است. در اعلامیه ارگ از قول شریف تأکید رفته بود که شورای کویت و شبکه حقانی، آماده آغاز گفت‌وگوهای صلح هستند و می‌خواهند پیش از آن، از ملا محمد عمر رهبر طالبان در این خصوص اجازه بگیرند.

افشای این موارد پس از نشر خبر مذاکرات صلح در قطر، می‌تواند این شایبه را هم تقویت کند که ریاست‌جمهوری خواسته است افکار عمومی را از قطر به سوی کابل معطوف سازد و به‌نحوی از عوارض جانبی مسأله بکاهد. دولت‌مردان فکر می‌کردند که ممکن است بحث آغاز گفت‌وگوهای صلح در قطر، یک بار دیگر به جنجال‌های رسانه‌ی مبدل شود و به همین دلیل خواستند افکار عمومی را به جای دیگری معطوف سازند.

از سوی دیگر، افشاگری‌های ارگ توانست برنامه قطر را در سایه قرار دهد؛ چون آن‌چه که ارگ ریاست‌جمهوری ادعا کرد، بزرگ‌تر و فربه‌تر از بحث قطر بود. اما حالا پس از اظهارات اخیر غنی، می‌توان فهمید که اعلامیه ارگ بیشتر به یک بلوف سیاسی و تبلیغاتی شبیه بوده تا یک واقعیت متکی به اسناد. بر اساس گفته‌های برخی از سران پیشین گروه طالبان در کابل، هیچ روزنه‌ی نسبت به انعطاف رهبران طالبان در مورد گفت‌وگوهای صلح دیده نمی‌شود.

شرکت سهامی جهادی غنی و عبدالله



تکه داران جهاد- چون تورن اسماعیل، رسول سیاف، یونس قانونی ، بسم الله محمدی ، گل آفاشیرزی ، امرالله صالح، عطامحمد نور، امرالله صالح ، انوری، خلیلی ، محسنی ، اکبری، بصیرسالنگی ، صلاح الدین ربانی ، برادران مسعود... تلاش ها را آغاز کرده اند تا یک شورای مرکزی مجاهدین را ایجاد نمایند. سران مجاهدین می خواهند برای حفظ قدرت شان، یک نیروی مسلح جهادی را بسازند، و به همین هدف تاکنون چندین نشست را در کابل برگزار کرده اند.

اسماعیل وزیر انرژی و آب در یک نشست در ولایت هرات گفت که برای دفاع از افغانستان یک شورای سراسری مجاهدین را تشکیل می دهد. شورای ملی ، آگاهان سیاسی و مقامات امریکایی با این اظهارات اسماعیل خان مخالفت کرده و آن را به ضرر کشور دانستند. والی بلخ میگوید: افغانستان متشکل از مجاهدین است، رئیس جمهور کشور و معاونین، برخی از اعضای کابینه و تعداد زیادی از قوماندان های امنیه و لایات و مسئولین ارگان های امنیتی، مجاهد هستند و مجاهدین قابل تقدیر اند . اگر افتخارات جهاد را از آنها بگیرند، چیزی برای آنها باقی نمی ماند.

برخی از رهبران مجاهدین که فکر می کنند تنها اینان جهاد کرده اند و تا وقتی که حیات دارند باید در سطح رهبری کشور باشند امروز با بی شرمی کامل اذهان داشتند که در حکومت وحدت ملی مجاهدین دور رانده شده اند در حالی که:

- ۱ رئیس جمهور قبلی جنگ سالار.
- ۲ رئیس اجرایه و هردو معاونانش جنگ سالار .
- ۳ نماینده خاص رئیس جمهور در امور حکومت داری خوب جنگ سالار.
- ۴ رئیس ولسی جرگه جنگ سالار.
- ۶ رئیس مشرانو جرگه جنگ سالار.
- ۷ برخی از اعضای کابینه جنگ سالار.
- ۸ اکثر والی ها جنگ سالار.

اینان به این باور هستند که در تمام سطوح دولت باید صرف چند چهره آزموده شده که سال ها امتیازگیری نموده اند نصب باشند . متاسفم به این چنین دیدگاه پوچ.

آنانی که سالهای سال است که در مقابل ملت ستم دیده و مردم رنجکشیده زورگفتند ، کشتند ، بستند و بردند و اموال بیت المال و از خون ملت قصرها، بلدنگها و آسمانخراشها ساختند و در مقابل دید جامعه بین المللی و قوای ناتو ثروت ملی را به تاراج میبرند و دستان شان بیشتر از گذشته و به خون بی گناهان آلوده شده است .

ثمره سهم این افراد در قدرت دولتی و در ارگانهای امنیتی این شد که شبها مسلح به خانهها داخل شده و هر چه دلش بخواهد

انجام بدهند و هر چه دمدستش بیاید با خود ببرد. پولیس که حافظ امنیت و آرامش باید باشد اما در کشور ما پولیس که از تنظیم‌ها جذب و استخدا شده اند به کابوسی تبدیل شده است. افراد تنظیمی در پولیس یعنی دزد و وندبازی. یعنی که با اسلحه‌اش توانایی هرکاری را دارد. از دزدی و رهنزی، آزار و اذیت مردم گرفته تا سرقت‌های مسلحانه و تجاوز به ناموس مردم. این تعداد در صفوف پولیس خیلی زیادند و ناگفته نماند انسان‌های متدین، وطن‌دوست، صادق و راستکار نیز در پولیس موجود است که منافع وطن و مردم را بالاتر از هر چیزی میدانند.

برای بیشتر مردم سرنوشت گروه‌های مختلف سیاسی مهم نبوده و نیست چون بارها و بارها بر سر آبرو و عزت آنها با عناوین مختلف زیبا و فریبنده معامله صورت گرفته است. مردم در مقاطع مختلف مظلوم و تنها قربانی امیال و هوسهای گوناگون افراد و گروه‌های مختلف نظامی و سیاسی شده اند بدون اینکه در زندگی سراسر پریشانی و مشقت بار آنها تغییر مثبتی صورت گیرد. منتها هرگاه که جنک بر سر منافع و به دست آوردن قدرت صورت می‌گیرد کسانی که بیش از همه ضرر می‌کنند و قربانی می‌شوند، مردم هستند که در کوران حوادث همواره باید تاوان خود خواهیها و قدرت طلبی‌های رجال سیاسی خویش را بپردازند.

مردم که با صدها مشکل روزگاری گذرانند، نگران این هستند که با تداوم ناامنی‌ها، خدای ناکرده همانند عراق همین امنیت نسبی در بعضی از ولایات نیز، رخت بر بندد و جان و ناموس مردم بی‌رحمانه در مقابل هوسهای قدرت طلبانه سیاسیون، به خطر افتد. اعمالی که در افغانستان چندان غیر طبیعی نمی‌نماید اما مردم به خاطری که قربانیان اصلی اینگونه حوادث اند به شدت از افشای مطالبی از این دست توسط مسوولین مضطرب و نگران می‌شوند. تاراج گران جمعیت اسلامی و شورای و نظار و اتحاد سیاف همراه با هم‌زمان و همراهان در گوشه و کنار میهن گرفتند؛ کشور تاراج شد و مردم میهن به خاک سیاه نشستند.

جنگ ویرانگری سراسر کشور ما را فراگرفت، شهرها تاراج شدند، مال بیت المال غارت گردید، آثار هنری و ثروت‌های ملی به عنوان مال غنیمت به بازارها سرازیر شدند. در جریان همه این جنایات خواجه که خود را امیر می‌پنداشت با خورجین‌های زراز شهری به شهری در ستیز و گریز بود. کوچ‌گیری و کولیگری دولتمداری را در تداوم فرار و بی‌عرضه‌گی محمد خوارزم شاه در قرن بیستم به نمایش گذاشت. ربانی و شورای نظار و سیاف برای اثبات وفاداری اش به سازمان امنیت پاکستان به ارسال تروریست و خرابکار به کشمیر و چینیا و آسیای میانه پرداخت. وی از جنگجویان بنیاد گرای تاجیک به حمایت پرداخته و به آتش جنگ داخلی در تاجیکستان دامن زد. ربانی از سازمان امنیت پاکستان بعد از آنکه متحدانش اردوی مجهز افغانستان را با قوای هوایی آن نابود کرد، خواست تا به تأسیس اردو و سازمان امنیت افغانستان بپردازد.

شورای علمای ربانی در رابطه با حقوق زنان به تدوین دقیقاً همان مواردی پرداخت که بعد ها طالبان با پیگیری آنرا اجرا کردند. با ظهور طالبان، ربانی از نخستین کسانی بود که حمایتش را از این گروه اعلام نمود. و سران شورای نظار تا میدان شهر به استقبال آنان شتافت او حتا پول در دسترس آنان قرار داد. زمانیکه مجاهدان هراتی با رشادت و جانبازی تا لشکرگاه پیشروی کردند او علیه اسماعیل خان که در حالت مریضی با طالبان می‌جنگید، دست به کودتا زده و موجب شکست مجاهدان هراتی شد. صد ها هراتی بدست طالبان و پاکستانی‌ها شهید و اسیر شدند. شهر هرات بدست طالبان افتاد. هرات به مستعمره داخلی به پایگاه تجاوز پاکستان مبدل شد. خاطرات ویرانگری‌های چنگیز و تیمور در این خطه مجدداً زنده

شد. ربانی که ملا زاده فقیری بیش نبود صاحب ثروت های افسانوی شد. اوازکوخ نشینی نه بدلیل کار وز حمت و نکوت، بلکه به دلیل فروش و تاراج دارائی های عامه به کاخ نشینی رسید و صاحب ثروت های افسانوی شد. کاخ های ربانی، همسرو فرزندانش درکابل و امارات متحده همه گواه این مطلب اند.

او که در این خاک خودش را مصون از هر انتقادی میداند و در برابر هر انتقاد اوباشان و ارادش به تهدید مردم می پردازند، از یاد برده است که اگر امروز در پناه معامله گری هایش از گوانتانامو نجات یافته است، جایگاه دیگری بنام دنهاگ وجود دارد که گروه وی را در درازمدت از آن رهایی نخواهد بود. ربانی و وهابیون شورای نظار که به روشنفکران و وطنپرستان این کشور زبان درازی می کند از یاد برده است که این کرزی بود که تا به حال سپر بلای وی شده است. خانواده های شهدا، خانواده های زنان به غارت برده شده و صاحبان زمین های غصب شده، قربانیان بی گناهی که بدست دژخیمان کشته شده اند، همه در انتظار عدالت اند.

ملوزویج دیکتاتور و قاتل مردم مسلمان بزنیا و کوزوو، در اثر سگته قلبی در دنهاگ درگذشت و در آنجا حجره در زندان جنایتکاران جنگی سازمان ملل متحد خالی شده است. اکثر جنگسالاران سه دهه اخیر که صدها هزار افغان را به کام مرگ فرستاده اند، هنوز شانه به شانه رییس جمهور ظاهر می شوند و آنگونه که سازمانهای تحقیقی آمریکا اعلام کرده، این جنگسالاران یکجا با طالبان و رهبران قبیله ای بیش از هفتاد درصد قلمروی افغانستان را در اختیار خویش دارند. حاکمیت قانون هم فقط در شکل چیزی بیش نیست... و هزاران هموطن غیر نظامی ماطی این سالها قربانی ناامنی شده اند، و صدها خانواده را گلوله های نیروهای خارجی که برای تامین امنیت ما آمده اند، به خاک و خون نشانده اند.

بر بنیاد یک نظرسنجی انجام شده از سوی اداره مبارزه با فساد و جرایم سازمان ملل متحد، نزدیک به شصت درصد مردم افغانستان می گویند که در زندگی روزمره خود با فساد دولتی دست به گریبانند، و این در حالی است که پنجاه و چهار درصد آنان به مشکلات امنیتی و پنجاه و دو درصد بر معضل بیکاری تأکید می کنند.

رییس اداره مبارزه با فساد و جرایم ملل متحد، می گوید که به گفته شرکت کنندگان در این نظرسنجی، غیرممکن است که مردم بدون پرداخت رشوه از خدمات دولتی برخوردار شوند، و این امر نه صرفاً یک تصور عمومی بلکه امری بوده است که افراد آن را تجربه کرده اند. این سند بر اساس مصاحبه با هفت هزار و ششصد نفر در دوازده شهر و هزار و ششصد قریه و علاقدهاری در سراسر کشور، از سوی اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد تهیه شده است.

تهدید وجود فساد در کشور را به سرطان تشبیه کرده اند که برای جلوگیری از چنین وضعیتی و پیش از آن که به بیماری علاج ناپذیری بدل شود، باید رئیس جمهور، دست به اتخاذ تدابیر قاطع بر اساس کنوانسیون مبارزه با فساد اداری سازمان ملل متحد بزند.